



نفوذ سیاسی کشورهای توسعه یافته و فرایند استاندارد گذاری بین‌المللی

محسن رستمی
کارشناسی ارشد حسابداری
دانشگاه علامه طباطبائی
محمد مهدی مومن زاده
عضو شورای مدیریت
انجمن علمی حسابداری
دانشگاه علامه طباطبائی

هماهنگ‌سازی رویه‌های حسابداری نخست در درون کشورها و با وضع استانداردهای حسابداری ملی، آغاز شد. پس از آن با رشد بازارها و افزایش مبادلات بین‌المللی کالا، خدمات و سرمایه، موضوع همسانی گزارش‌های حسابداری در سطح بین‌المللی نیز مطرح شد. رشد فعالیت‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی، نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه اقتصادی کشورها، نیاز به استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی خارجی و دستیابی به اطلاعات قابل اتکا و قابل مقایسه با هزینه کم باعث شده تا مساله هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری، اهمیت خاصی یابد. در همین راستا در سال ۱۹۷۳ کمیته تدوین استانداردهای بین‌المللی ایجاد شد و به تدوین استانداردهای بین‌المللی پرداخت.

اولین استانداردهای حسابداری بین‌المللی را کمیته تدوین استانداردهای حسابداری بین‌المللی در سال ۱۹۷۵ منتشر کرد. هیئت تدوین استانداردهای حسابداری بین‌المللی در سال ۲۰۰۱ جایگزین این کمیته شد و در سال ۲۰۰۵ بیشتر شرکت‌های اروپایی و کشورهای دیگر ملزم به رعایت استانداردهای گزارشگری حسابداری بین‌المللی در ارائه صورت‌های مالی خود شدند (آر. مسترانگ و همکاران، ۲۰۰۷).

دلیل اصلی گسترش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بین‌المللی، دستیابی به یک مبنای مقایسه‌پذیر است که به تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران از طریق کاهش بهای شرکت‌های چندملیتی در تهیه چند مجموعه گزارش کمک می‌کند. زمانی که شرکت‌ها ملزم به ارائه بیش از یک نوع گزارش هستند، هماهنگ‌سازی منجر به صرفه‌جویی در بهای و کاهش زمان لازم برای تهیه این گزارش‌ها می‌شود (گراغانی، ۱۳۹۰).

اهمیت همگرایی در ایران نیز از این لحاظ است که شرکت‌های ایرانی که برای جذب سرمایه خارجی، تمایل به ورود به بورس‌های خارجی دارند، ملزم می‌شوند صورت‌های مالی خود را طبق استانداردهای بین‌المللی تهیه و حسابرسی کنند و این به معنی افزایش هزینه‌های شرکت و افزایش هزینه سرمایه است. حتی برخی شرکت‌ها برای اخذ اعتبار خارجی مجبور به عقد قرارداد با مشاوران مالی و حسابرسان خارجی برای تهیه صورت‌های مالی خود بر مبنای استانداردهای بین‌المللی شده‌اند که علاوه بر تحمل هزینه، زمان زیادی را که می‌توانست صرف اجرای پروژه‌ها شود، از دست داده‌اند. سرمایه‌گذاران خارجی نیز که تمایل به خرید سهام شرکت‌های ایرانی دارند باید هزینه‌های اضافی برای تحلیل صورت‌های مالی و درک استانداردهای ایران بپردازند. از طرفی به دلیل آنکه کیفیت این استانداردها را نمی‌دانند، ریسک اطلاعاتی اوراق بهادار ایرانی را بالاتر ارزیابی و صرف ریسک بالاتری را می‌طلبند و از این طریق هزینه‌های افزایش می‌یابد. همچنین در ارزیابی ریسک ایران نیز یکی از عوامل قابل توجه کیفیت استانداردهای حسابداری است. (رحمانی، ۱۳۸۸)

قدرت سیاسی بالاتر و دخالت بیشتر در تدوین استانداردها
در این گذر، کشورها برای رسیدن به اهداف تجاری خود از جمله توسعه پایدار نیازمند ورود به بازارهای خارجی هستند که جهانی شدن و استانداردهای حسابداری جهانی مقایسه‌پذیر، یکی از مسایل پیش رو است. موانع و مزایای جهانی شدن برای کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته، متفاوت است. به وضوح می‌توان تامین مزایای بیشتر کشورهای توسعه یافته را در تصمیم‌های انجمن‌های جهانی، نظاره کرد. همچنین اندازه مداخله دولت‌ها نیز در فرایند تدوین استانداردهای بین‌المللی و مبحث جهانی شدن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است (سوداگران، ۲۰۰۱).

به نوعی می‌توان گفت که استانداردهای حسابداری بین‌المللی با توجه به اوضاع اقتصادی کشورهای توسعه یافته به خصوص آمریکا و انگلیس، نوشته شده است. IASB و FASB دو انجمن و بنگاه حسابداری با نفوذ در سطح جهان هستند. IASB را می‌توان تحت سلطه آمریکا نامید که به نوعی برخاسته از نظام‌های سرمایه‌داری است و توانسته حمایت بورس‌های بین‌المللی را نیز به خود جذب کند (گالپوفر، هسل، ۲۰۰۶).

FASB نیز علاقه‌مند ارتقای استانداردهای حسابداری ایالات متحده از طریق مشروعیت بخشیدن بیشتر به آن (با جایگزینی لفظ بین‌المللی به جای آمریکایی) در سطح جهان است (آکیرا، گالپوفر، هسل، ۲۰۱۲).

مذاکره تجاری آمریکا و ژاپن، نمونه‌ای دیگر از دخالت‌های آمریکا در جهان است. آمریکایی‌ها برای ورود به بازارهای ژاپنی و همچنین کاهش ریسک سرمایه‌گذاری خود به دنبال وجود یک نظام حسابداری و حاکمیت شرکتی دلخواه برای سرمایه‌گذاران خود هستند که به وضوح می‌توان آن را در مذاکرات تجاری دو کشور یافت. در ادامه به چگونگی تغییرات حسابداری و حاکمیت شرکتی و شرایط مذاکره و ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور ژاپن بعد از جنگ جهانی، پرداخته می‌شود.

ژاپن، شرکتی بزرگ برای اهداف اقتصادی - سیاسی آمریکا

جنگ، امنیت و تجارت کشورها را حتی پس از پایان جنگ، تهدید می‌کند. یکی از موضوعاتی که ژاپن در تجارت خود بعد از جنگ دوم جهانی دنبال می‌کند، امنیت در تجارت است. حرکت در این جهت را می‌توان از سال ۱۹۴۵ و انعکاس آن را در مذاکرات تجاری این کشور مشاهده کرد. ایالت متحده با نگرانی‌های امنیتی خود در مقابل اتحاد جماهیر شوروی به دنبال پیاده سازی پایگاه‌های نظامی در خاک ژاپن بود و ژاپن هم به دلیل آنکه از همسایگان خود جدا شده و به دلیل موقعیت‌ها و عقب‌افتادگی‌های خود در طول جنگ، مشتاق به این کار بود. در این زمان بود که دولت ایالات متحده و ژاپن پیمان صلح سن فرانسیسکو را برای همکاری‌های متقابل امنیتی و نظامی در سال ۱۹۵۷، امضا کردند (گرین، وگل، ۲۰۰۲).

مدیره، نقش مدیران مستقل، جلسات هیات مدیره، افشای اطلاعات و نظام‌های مسئولیتی و پاسخگویی تدوین کند.

برخی منتقدان، موضع دولت آمریکا را در مذاکرها و دخالت در امور داخلی کشورها منعکس کننده قدرت طلبی و قدرت جهانی آنها می‌دانند (اکیرا و همکاران، ۲۰۱۲).

توصیه‌های آمریکایی، شیوه‌های زندگی را در ژاپن تحت تاثیر قرار داد و دولت ژاپن را به یک شرکت بزرگ در سطح جهان برای آمریکا و انگلیس تبدیل کرد (ناکامورا، ۲۰۰۸).

دیدگاه ژاپنی‌ها در خصوص اصلاحات صورت گرفته

اکیرا (۲۰۱۲) اشاره می‌کند که دولت آمریکا در مذاکرات خود بیش از ۲۰۰ مورد اصلاحی را به دولت ژاپن پیشنهاد می‌دهد که دولت ژاپن نیز تمام آن را می‌پذیرد. (دیدگاه‌هایی وجود دارد که تمام این موارد اصلاحی را در ارتباط با کسری بودجه آمریکا و رشد اقتصاد ایالات متحده می‌داند).

- سوزوکی (۱۹۸۹) معتقد است که اجرای خواسته‌های دولت آمریکا نشأت گرفته از قدرت نابرابر بین دو کشور است.
- شیمیزو (۲۰۰۷) نیز تمایل دولت ژاپن به تسلیم به دولت آمریکا را وابستگی شدید تسلیحاتی و امنیتی می‌داند.
- دوره (۲۰۰۳) نیز معتقد است که دولت ژاپن در دهه ۱۹۹۰ در یک رکود اقتصادی و در یک موقعیت مذاکره ضعیف قرار داشت که باید این پیشنهادها را قبول می‌کرد.

نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت جهانی شدن می‌تواند به کشورهای در حال توسعه کمک فراوانی کند، ولی در حال حاضر کشورهای توسعه یافته با واژه جهانی شدن به گسترش بازارهای خود و ورود به بازارهای کشورهای در حال توسعه و استفاده از منابع آنها می‌اندیشند. این مسئله به نوعی جنگ اقتصادی نابرابری علیه صنعت نوپای کشورهای در حال توسعه است که توان رقابت با کشورهای توسعه یافته را ندارند. به همین دلیل است که اولین مشکلی که در رابطه با فرایند هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری وجود دارد این است که کشورهای در حال توسعه فرایند هماهنگ‌سازی را تحمیلی از جانب کشورهای توسعه یافته‌تر می‌دانند. همانطور که می‌دانیم جهانی شدن مزایای فراوانی را به همراه خواهد داشت، اما می‌توان به معایب از جمله حمایت استاندارد حسابداری از کشورهای خاص و وابستگی استانداردها به این کشورها اشاره کرد. اگر جهانی شدن براساس اصول و ضوابط خاصی باشد که منافع تمام کشورها تامین شود می‌تواند منجر به میل به یک اقتصاد مناسب در سطح جهان شود.

*منابع مقاله در دفتر ماهنامه بورس موجود است

بعد از این پیمان، درهای کشور آمریکا و ژاپن به روی یکدیگر باز شد و هر یک از دو کشور اهداف خود را دنبال می‌کردند. ژاپن برای بازیابی اقتصاد آسیب دیده خود در طول جنگ جهانی به دنبال بازارهای برون مرزی و دولت ایالات متحده نیز به دنبال جبران کسری بودجه خود بود. باید دقت شود که در آن زمان، ارزش ین-واحد پول ژاپن - به شدت پایین بود و ژاپنی‌ها توانستند صادرات خود را به دلیل ارزش بسیار پایین ین، افزایش دهند. همین دلیل باعث نارضایتی آمریکایی‌ها شد و در سال ۱۹۸۸ قانونی را به تصویب رساندند که در آن به صراحت ذکر شد آمریکا می‌تواند کشورهایی را که به طور غیرعادلانه به معامله می‌پردازد، شناسایی و دیگر با آنها وارد داد و ستد نشود. لینگولن (۱۹۹۹) در این باره می‌گوید در کنگره، نارضایتی‌های زیادی در مورد بازارهای بدون دسترس ژاپن مطرح بود؛ بنابراین این قانون مورد تصویب قرار گرفت. در آمریکا می‌توان گفت امنیت ملی تعاریف گسترده‌ای دارد از جمله مسائلی مربوط به اقتصاد، قدرت مالی و صنعتی است که اگر کشوری موجب تهدید این ابعاد شود، امنیت ملی آمریکا را مورد تهدید قرار داده است. در آن زمان به ژاپنی‌ها برچسب معامله گر ناعادلانه زده شد. بعد از آن، دولت آمریکا و ژاپن مذاکرات جدیدی را آغاز کردند؛ هدف آمریکا حل کسری بودجه خود و باز کردن راه برای سرمایه‌گذاران آمریکایی به خاک کشور ژاپن بود. یکی از نگرانی‌های آمریکایی‌ها ساختارهای نهادی کشور ژاپن از جمله بحث‌های مربوط به حاکمیت شرکتی، حسابداری و افشاء‌های مربوط به تصمیم‌گیری سهامداران آمریکایی بود. آمریکایی‌ها به دنبال کاهش ریسک سرمایه‌گذاری از طریق روش‌های حسابداری و سیاست‌های حاکمیت شرکتی آمریکایی بودند. اقدامات انجام شده طی مذاکرات تجاری دو کشور به شرح جدول شماره ۱ است (اکیرا و همکاران، ۲۰۱۲).

دولت ژاپن در سال ۱۹۹۴، اصلاحات اقتصادی و آزادسازی در چارچوبی که آمریکایی‌ها به آن علاقه‌مند بودند را پذیرفت و از آن سال به بعد، آمریکایی‌ها به طور سالانه توصیه‌ها و پیشنهادهایی را به ژاپنی‌ها ارائه می‌کنند. دولت ژاپن در سال ۱۹۹۴ به اصلاحات اداری از جمله حاکمیت شرکتی و حسابداری، اقدام کرد. در سال ۲۰۰۰، آمریکایی‌ها تأکید بیشتری برای اجرای سیاست‌های مربوط به حاکمیت شرکتی داشتند و خواستار اجرای جدی‌تر این رویه‌ها در شرکت‌های بورسی ژاپن بودند.

علت اصلی مطرح و پرتنگ شدن این مباحث در مذاکرات دولت آمریکا در سال ۲۰۰۰، این بود که ژاپنی‌ها در این سال به تجدید نظر در قانون تجارت خود اقدام کردند- سال ۲۰۰۲ قانون تجارت تجدیدنظر شده ژاپن تصویب شد- و دولتمردان آمریکا نیز این زمان را فرصتی برای اعمال نظر در قانون تجارت ژاپن یافتند.

دولت آمریکا به دنبال آن بود که دولت ژاپن، قانون تجارت خود را با توجه به رویه‌های حاکمیت شرکتی آمریکایی، به ویژه در ترکیب و نقش هیات



اولین استانداردهای

حسابداری بین‌المللی را

کمیته تدوین استانداردهای

حسابداری بین‌المللی در

سال ۱۹۷۵ منتشر کرد.

هیئت تدوین استانداردهای

حسابداری بین‌المللی در

سال ۲۰۰۱ جایگزین این

کمیته شد و در سال ۲۰۰۵

بیشتر شرکت‌های اروپایی

و کشورهای دیگر ملزم

به رعایت استانداردهای

گزارشگری حسابداری

بین‌المللی در ارائه

صورت‌های مالی خود شدند



شرح اقدامات ژاپن و آمریکا طی برگزاری مذاکرات تجاری

شرح اقدامات	سال
شرح اقدامات	
طرح بر چیدن موانع ساختاری و گزارشگری در ژاپن	۱۹۹۰
همکاری‌های جدید ایالات متحده و ژاپن	۱۹۹۱
طرح‌های آمریکا برای مقرر ات‌زدایی و اصلاحات اداری و سیاسی رقابت‌پذیری در کشور ژاپن	۱۹۹۴ - ۱۹۹۶
طرح کشور آمریکا برای مقرر ات‌زدایی و سیاست رقابت‌پذیری و شفافیت (در حسابداری و افشای اطلاعات)	۱۹۹۷
ایجاد ساختارهای گزارشگری با زبان مشترک در دو کشور	۱۹۹۸-۲۰۰۰
توصیه‌های سالانه ایالات متحده درباره اصلاحات اداری و منافع مشترک	۱۹۹۴-۲۰۰۸
توصیه‌هایی به رهبران و مدیران اقتصادی دو کشور برای انحصارزدایی و رقابت آزاد	۲۰۰۲-۲۰۰۸